دکتر جلال متینی (نیویرک)

سخنی چند در بارهٔ کتابخانه‌ها

دکتر جلال متینی استاد و معاون دانشکدهٔ ادبیات مشهداز اوستادان فاضل‌و ارجمند وبااخلاق است و اکنون چندی است بدعوت دانشگاه یوتا (امریکا) در بخش تحقیقات مربوط بخاورمیانه تدریس می کند. موضوع کاراومعرفی فرهنگ‌وادبیات وکتاب های ارجمند فارسی است .

از آثار علمی دکتر متینی تصحیح کتاب هدایةالمتعلمین است درطب، که درتألیفات تحقیقی، جایزهٔ سلطنتی را برده است . چون انتخاب کتاب واهداء جایزه‌سلطنتی درغیبت‌دکتر بوده‌است باومژده می‌دهیم وتبریك می گوئیم. (مجلهٔ یغما)

سالهاست که درایران نویسندگان وسخنرانان دربارهٔ اهمیت فوق‌العادهٔ کتاب ، لزوم تأسیس کتابخانه‌های جدید برای کودکان و جوانان و مردم شهرها و روستاها ، توسعهٔ کتابخانه‌های موجود واختصاص بودجهٔ‌کافی برای تکمیل‌آنها ، و تأسیس کلاسهای کتابداری وتربیت کتابداران متخصص وامثال‌آن ، برای بالابردن سطح دانش مردم کشورما ، بمناسبت تذکرات مفیدی داده‌اند ودرچند سال اخیرنیز با اعلام هفته‌ای در سال بنام «هفتهٔ کتاب» ویا تعیین بهترین کتاب سال وتعیین‌جوائزی برای نویسندگان ومؤلفان‌کتب ممتاز سال نیزتوجه عامهٔ مردم واهل فضل رابیش از گذشته باهمیت کتاب جلب کرده‌اند. آنچه دراین زمینه‌انجام شده همه درخورتمجید است ولی‌تا آنجاکه نویسندهٔ این سطور اطلاع دارد درمورد یك امر بسیارمهم در زمینهٔ کتاب وکتابخانه درکشور ما هنوز اقدامی نشده است . این موضوع مهم نحوهٔ استفاده ازکتابخانه‌های عمومی شهرها وکتابخانه‌های مدارس و دانشکده‌های ماست . نمی‌دانم درموردکتابخانه‌های عمومی روی سخن باید با وزارت‌آموزش وپرورش باشد ، یا باوزارت فرهنگ و هنر، ویا با شهرداری‌ها ، اما در مورد کتابخانه‌های وابسته بمؤسسات آموزشی اعم ازدبیرستانها ودانشکده‌ها ودانشگاهها ودیگر مؤسسات تعلیمات عالیه مملکت ، که خوشبختانه تعدادشان روبافزایش است ، یقیناً‌روی سخن با مسؤولان دانشگاههای‌کشور و وزارت آموزش وپرورش است .

آنانکه با کتابخانه‌های ما سر وکار دارند بخوبی واقفندکه در بسیاری از تشکیلات اداری ما، کتابخانه ازنظر گردانندگان تشکیلات اداری ، اداره‌ایست نظیرادارات بایگانی

وکار پردازی و دفتر، وجودش لازم است چون حداقل بر تعداد ادارات ابواب جمعی آن مؤسسه می‌افزاید، بعلاوه نظیر دیگر ادارات، رئیسی نیز می‌خواهد که داشتن تخصص در امر کتابداری و کتابشناسی را برایش ضروری نمی‌دانند همچنانکه ممکن است رؤسای بسیاری از ادارات دیگر هم در کار خود تخصصی نداشته باشند. درهر حال چون کتابخانه اداره‌ای بحساب می‌آید که رئیسی دارد و مراجعانی، بیك معاون، چند کارمند بنام کتابدار، مخزن کتاب، اطاق مطالعه و مقداری کتاب نیز احتیاج پیدا میشود وچون این مقدمات فراهم شد مسؤول دستگاه نفسی براحت می‌کشد وتصور می‌کند که دیگر کار تمام شده وباب علم ودانش در آن مؤسسه بروی طالبانش گشوده شده است.

پس از این مقدمات نوبت بهره‌برداری از کتابخانه می‌رسد یعنی علت اساسی و غائی از تأسیس کتابخانه‌ها، تا در کتابخانه‌های عمومی مردم شهر و در کتابخانه‌های مدارس و دانشکده‌ها دانش‌آموزان و دانشجویان از آنها استفاده کنند. بنظر نگارنده مشکل اساسی کتابخانه‌های ما مربوط بهمین قسمت است که از وسائل وموارد موجود در کتابخانه بحداقل استفاده می‌کنیم، وبرخی بی‌سلیقگی‌ها واحتمالا بی‌علاقگی‌ها ووجود بعضی از مقررات مزاحم کار بهره گرفتن از کتاب را برای عموم مردم و بخصوص برای دانشجویان تا بدان حد دشوار ساخته است که مراجع کتابخانه از هر طبقه‌ای که باشد از خیر کتاب خواندن می‌گذرد، وهمین امر موجب می‌شود که کتابها گر چه معدود هم باشد ماهها وسالها در طبقه‌های کتابخانه بلا استفاده می‌ماند، آب در کوزه است وتشنه لبان بگرد جهان می‌گردند.

بعقیدهٔ نویسنده، مشکل عموم مراجعان بکتابخانه‌ها و بخصوص دانشجویان ما در چند قسمت زیرین خلاصه می‌شود:

۱ـ محدود بودن ساعات کار کتابخانه‌ها.

۲ـ تعطیل بودن کتابخانه‌ها در روزهای تعطیل اعم از روزهای جمعه، ودیگر تعطیلات ملی ومذهبی.

۳ـ عدم امکان مطالعهٔ کتاب کتابخانه در خارج از کتابخانه (قرض ندادن کتاب بدانشجویان ومراجعات برای مطالعه در خارج از کتابخانه).

۴ـ انحصار کتابخانه‌های دانشکده‌ها و دانشگاهها به استادان و دانشجویان و عدم دسترسی دیگر افراد بدانها.

۵ـ در درجهٔ آخر، عدم امکان استفاده از کتب کتابخانهٔ شهرها ومؤسسات دانشگاهی دیگر.

همهٔ کسانی که با دانشجویان وجوانان ما تماس دارند و از نزدیك بمشکلات ایشان در امر تحصیل واقفند بدین حقیقت پی برده‌اند که قسمتی از مشکلات ایشان مربوط بطرز ادارهٔ کتابخانه‌های ماست، زیرا با کمال تأسف بسیاری از کتابخانه‌های ما برای انجام وظیفهٔ بسیار مهمی که بعهده دارند فاقد تحرك لازم می‌باشند. دانشجو برای انجام تکالیف درسی خود ناچار است وباید بکتب مختلف مراجعه کند واین کاری است که بی‌وقفه باید انجام شود. اگر فرصت استفادهٔ از کتابخانه را از دانشجو بگیریم، چنانکه سالهاست تقریباً بدین شیوه عمل می‌کنیم، دانشجو ناچار است فقط بمطالبی که از استاد در کلاس درس می‌شنود و بطور ناقص از آنها یادداشت تهیه می‌کند اکتفا نماید، وهمین امر است که بارها از طرف افراد نکته سنج حقیقت بین مورد انتقاد قرار گرفته است. اگر بخواهیم این مشکل بطور کامل رفع شود چاره‌ای جز

پرتال جامع علوم انسانی

این نیست که استاد در کلاس ببحث درباب رؤس مطالب درس بپردازد ومآخذی رادر هرجمله برای مراجعهٔ دانشجویان تعیین کند تاخود دانشجو آنها را بدقت بخواند ونکات لازم را از آنهایادداشت کند، یعنی بهمان شیوه‌ای عمل کند که امروزدر دانشگاههای بزرگ دنیامتداول است . تصور کنیم در ایران استادی بخواهد بدین شیوه تدریس کند ودانشجو را در جریان تحقیق ومطالعه قرار بدهد وبآنچه خود در کلاس درس گفته است بسنده نکند، مشکلاتی که در راه چنین عملی‌موجود است چیست ؟ علاوه برآنکه ممکن است برخی ازکتب مورد نیاز در کتابخانه نباشد، استفاده ازکتب موجود درکتابخانه نیز بسادگی برای دانشجویان میسر نیست، وآنچه بنده دراین مختصر برای جلب توجه مسؤولان امر باطلاع می‌رساند، مربوط بدین موضوع است که چه کنیم تاتشکیلات کتابخانه‌های ما، بی‌آنکه ببودجهٔ اضافی‌واستخدام کارمند جدید نیازمند باشند، بیشتروبهترمورد استفاده واقع شوند.

همچنانکه گذشت یکی از مشکلات مهم کتابخانه‌های ما محدود بودن ساعات کار آنهاست. ساعت‌کاراکثر کتابخانه‌ها تقریباً باساعت‌کار دیگر تشکیلات اداری تابع‌آن مؤسسه برابراست ویاحداکثر دربرخی ازمؤسسات کتابخانه یکی‌دوساعتی بیش از ادارات دیگرکار می کند، و در روزهای تعطیل نیز که‌کتابخانه می‌تواند و باید بنحو شایسته‌ای مورد استفاده مراجعان قراربگیرد بطورکلی تعطیل است . در درجهٔ نخست لازم است ساعت‌کار کتابخانه‌ها بحداکثرممکن افزایش یابد. دراین مورد باید دید در دانشگاههای‌کشورهای دیگر ویا در کتابخانه‌های عمومی دیگرممالك بچه ترتیب عمل می کنند، چون اقتباس‌کارصحیح وخوب از هرکس وازهرجا پسندیده است . دردانشگاههای آمریکا که درچند ماه اخیر در بعضی ازآنها کار کرده‌ام وبمطالعه مشغول بوده‌ام ، کتابخانه درپنج روز هفته (ازروز دوشنبه تاروز جمعه) یك سره هرروزبین دوازده تاچهارده ساعت ونیم بازاست ودرتمام این ساعات دانشجویان و دیگرافراد مجاز می‌توانند برای مطالعه بکتابخانه مراجعه کنند. البته ساعت کار کتابخانه‌ها در روزتعطیل شنبه ویکشنبه محدودتراست بدین ترتیب که‌کتابخانه در روز شنبه بین شش تا هشت ساعت ودر روزیکشنبه بین‌ده تادوازده ساعت بازاست . برای مثال ساعت کارکتابخانهٔ عمومی* (Butler Library) دانشگاه‌کلمبیا را ذیلاً ذکرمی‌کنم :

روزهای دوشنبه تاجمعه ازساعت ۳۰–۸ صبح تا ۱۱ بعد از ظهر
روزهای شنبه » » ۹صبح » ۵ » »
روزهای یکشنبه » » ۱۲(ظهر)» ۱۰ » »

ساعت‌کار کتابخانه‌های دانشگاه یوتا ، دانشگاه‌کالیفرنیا دربرکلی (U.C:) ، دانشگاه کالیفرنیا درلوس‌آنجلس (U.C.L.A) دانشگاههای نیومکزیکو، تکزاس، کلمبیا و پرینستون نیزدرهمین حدود است . وقتی‌مردمی که درهفته دوروزتعطیل دارند وباستراحت و گردش‌نیز بسیارعلاقه‌مندند ودرهفته بیش ازسی‌وپنج ساعت‌کار نمی کنند وازیك روز مرخصی سالانهٔ خود نیز کمترمی گذرند وهمه برنامه‌های مؤسسات دولتی‌وملی براساس حفظ حقوق مردم از نظر مراعات ساعت‌کارتنظیم می‌شود، درکارکتابخانه‌های خودتا بدین حد استثناء قائل می‌شوند و کتابخانه رانیزچون‌کلیسا وبیمارستان همواره مفتوح نگه می‌دارند.

---

* خواننده ارجمند توجه داردکه در اکثر دانشگاهها علاوه برکتابخانه مرکزی و عمومی دانشگاه هریك از بخشها نیز کتابخانه‌ای اختصاصی‌دارند با ساعت‌کارمعین که‌تقریباً با ساعت‌کارکتابخانه مرکزی چندان اختلافی ندارد .

پرتال جامع علوم انسانی

باید توجه داشت که موضوع تا چه حد حائز اهمیت است . تصور نشود که این موضوع فقط در کتابخانهٔ دانشگاهها مراعات می‌شود، خیر، کتابخانه‌های عمومی درشهرها نیز باجزئی اختلاف بهمین نحوعمل می کنند ، فی‌المثل کتابخانه عمومی شهرهای سالت‌کیك (مرکزایالت یوتا) ، لوس‌انجلس ، استین ، دالاس ، ونیویورك که من گذارم به آنها افتاده است حتی در روزهای تعطیل بازاست . حساب مسؤلان این کتابخانه‌ها کاملاً درست است چون اکثر مردم درایام هفته درتلاش معاشند، وفقط یادوساعات بعدازکاراداری ویا درروزهای تعطیل‌می‌توانند ازکتابخانه استفاده کنند . بسیاری از مردم کشور ایران ودانشجویان دانشگاههای ما نیز که طالب خواندن‌کتاب هستند آرزومندندکه درساعات فراغت خود وپس ازانجام‌کارهای اداری چند ساعتی رادرکتابخانه بگذرانند ، ولی وقتی‌ساعت‌کار کتابخانه‌های ما ازهشت صبح شروع می‌شود و در چهارونیم یا شش ونیم بعدازظهر پایان می‌پذیرد وظهرهم‌کتابخانه بمدت دوسه ساعت تعطیل است ، مراجع بیچاره چگونه می‌تواند از این همه کتابی که درقفسه درکنار هم قراردارد و ما دل خود را بداشتن‌آنهاخوش کرده‌ایم ودرآمارهای خود تعدادآنرا برخ این وآن می کشیم استفاده کند . دانشجویان ما حتی در رشته‌هائی بجزگروه پزشکی وفنی بطور متوسط روزی سه تاچهار ساعت درکلاس درس حاضر می‌شوند وبسیاری ازایشان حداقل چند ساعتی در روزکار می کنند ، یاکارمند رسمی دولت ، و یـا کارمند مؤسسات ملی هستند ، و در دانشکده‌های گروه پزشکی وفنی‌مجموع ساعت‌کاردانشجویان در روز ، درلابراتوار ،کارگاه بیمارستان وحضور درکلاس از روزی شش هفت ساعت نیز تجاوز می کند ، درچنین وضعی‌است که دانشجویان ما ناچار دراکثر اوقات باید بدیدن عمارت‌کتابخانه در موقع ورود وخروج به دانشکده اکتفاکنند چون دستگاه‌کمتر فرصت استفاده ازکتابخانـه را بدیشان مـی‌دهد . شگفت‌آن که ما معلمان نیزمی‌نالیم‌که چرا دانشجویان‌کتاب‌نمی‌خوانند ، چرا تکالیفی راکه استاد تعیین می‌کند انجام نمی‌دهند وچرا بآنچه معلم درکلاس درس می گوید اکتفا می‌کنند ودهها چرای دیگر. برای حل این مشکل شایدبودجهٔ اضافی نیزاحتیاج نداشته باشیم چون هرمؤسسه‌بهمان سبکی‌که دردانشگاههای دنیا معمول‌است می‌تواند برای‌کارمندان کتابخانه‌اش برنامه‌ای ترتیب بدهد تاایشان بنوبت‌از صبح اول وقت اداری تاآخروقت درکتابخانه‌حاضر شوند، ضمناً درصورت‌لزوم ازوجود دانشجویان کلاسهای بالاتردانشکده که داوطلب‌کارکردن دردانشکده هستند نیز می‌توان استفاده‌کرد تا بهمراه‌کتابدار دانشکده‌کارها راانجام بدهند.

مشکل مهم دیگر کتابخانه‌های ماآنست که چون برطبق مقررات مالی‌جاری درمدارس ودانشگاههای دولتی‌کتاب جزء اموال دولتی محسوب می‌شود ، مقررات مربوط بعدم خروج اموال دولتی از ادارهٔ دولتی بشدت وحدت تمام دربارهٔ‌آن بموقع اجراگذاشته می‌شود . در سالهای‌گذشته‌آنان‌که بفکر حفظ اموال دولت بودند وحق هم همین بوده است و باید باشد، مقرراتی دراین زمینه و بطورکلی وضع کرده‌اند ، ولی امروز چرا دانشجویان ما باید چوب این مقررات نادرست را درکتابخانه‌ها بخورند ؟ آخر باید حقیقت را پذیرفت . درروزگار ماکه همه‌کشورها در راه توسعهٔ علم ودانش بسرعت‌گام برمی‌دارند نمی‌توان ونبایدکتابهای کتابخانه رابا میزوقفسهٔ‌کتابخانه و بخاری نفتی ومبل‌وصندلی و فرش یك مؤسسهٔ‌دولتی‌دریك ردیف قرار داد . آیا مؤسسات دانشگاهی ما هریك باهزار زحمت و خون دل چندین هزار جلدکتاب خریداری‌کرده‌اند تاروزی شش هفت‌ساعت آنهارافقط در محل‌کتابخانه‌دراختیار

مراجعان قرار بدهند و بعد با خیال راحت کتابهای بی‌زبان را بمدت شانزده هفده‌ساعت در کتابخانه حبس کنند تا بر خلاف مقررات مربوط بحفظ اموال دولتی کاری نکرده باشند ؟ دانشکده های ما از بیست سال پیش که خود نگارنده بعنوان محصلی دریکی ازآنها تحصیل می‌کرد تا بامروز همواره درصدد بوده‌اندکه برای این مشکل راه حلی بجویند ، زمانی گفتند اگر ازکتابی درکتابخانه نسخهٔ مکرر داشته باشیم بمعرفی استاد و با سپردن قیمت کتاب بکتابخانه ، یك جلدکتاب را برای مدت چند روز می‌توان بامانت به دانشجو داد ، گاهی‌در اول‌سال‌تحصیلی برخی‌ازدانشجویان مبلغی تاحدود یك هزارریال بامانت بکتابخانه داده‌اند تاازنسخ مکرر کتابخانه تاحدود همان‌یك هزارریال کتاب بامانت‌بگیرند ودرخارج‌از کتابخانه‌مطالعه کنند ، زمانی‌برخی‌ازاستادان ناچارمی‌شوندکتابهای موردنیازدانشجویان را بنام‌خوداز کتابخانه‌بامانت‌بگیرند ودراختیاردانشجویان قرار بدهند . درتمام‌این‌مواردبطوری که ملاحظه می‌شود نقص مقررات موجب شده است که دانشکده‌ها براه حلهای موقتی و غیر اصولی متوسل شوند ، ولی تا بامروز این مشکل در دانشگاهها وکتابخانه‌های عمومی ماحل نشده‌است ، چون در اکثر موارد خارج کردن کتاب وقرض دادن‌آن ، علاوه بردیگرشرایط بدین موضوع موکول گردیده است‌که از یك‌کتاب نسخ متعدد درکتابخانه موجود باشدخوب میدانیم که قلت بودجهٔ خریدن کتاب بما اجازه نمی‌دهدکه از همه‌کتابها ویا ازکتابهائی که بیشترموردلزوم است‌نسخ‌متعددخریداری‌کنیم وبعلاوه‌پرداخت وجه‌الضمان (یابهراسم دیگری آنرا بخوانیم) برای بیشتر دانشجویان ما ممکن نیست . با استفاده از این‌طریق نیزحداکثر از کتب تقریباً ارزان قیمت و تا حدود یکی دوجلد می‌توان بامانت گرفت .

برای رفع این مخطور شاید علاوه براقدام مشترك وزارت‌آموزش وپرورش و وزارت فرهنگ وهنرودانشگاهها ، جلب موافقت مقامات مالی مملکتی نیزلازم باشد ، زیرا تاآنجا که بیاد دارم تا سه‌چهار سال پیش‌که آقای دکترعلی‌اکبرفیاض‌استاد دانشمند دانشگاه‌تهران ریاست دانشکدهٔ ادبیات مشهد را بعهده‌داشتند درمذاکرات‌خودبا وزیر فرهنگ وقت‌کوشش بسیارکردند تا ازدستگاههای مسؤول‌مالی، مجوزی رسمی‌برای‌قرض دادن‌کتاب بدانشجویان بدست بیاورند تابدین وسیله سدی ازراه دانشجویان برداشته شود ، ولی دراین زمینه‌توفیقی حاصل نشد . نگارنده معتقد است دراین مواردلازم‌است از طرف مقامات مسؤول اقدام فوری بعمل بیاید ، زیرا ما با بودجهٔ دولت یا بودجهٔ اختصاصی ، برای رفع احتیاج دانشجویان در دانشکده‌ها کتاب می‌خریم، نه‌آنکه‌کتابها علاوه برروزهای تعطیل ، در بقیهٔ ایام هفته نیز در هرروز شانزده تا هفده ساعت در حبس باشد وخوانندهٔ شائق ودانشجو بعلت‌آنکه دستگاه کتاب را هنوز در ردیف مبل و صندلی بشمار می‌آورد نتواند ازآن استفاده کند .

درهمین دانشگاههائی که قبلا عرض کردم، باستثنای کتابهای مأخذ (Reference) نظیر فرهنگها دائرة‌المعارفها ، اطلس‌ها،وبیوگرافی‌هاوامثال‌آن که‌درسالن‌خاصی‌قراردارندوازآنها فقط درمحل‌کتابخانه می‌توان استفاده کرد، برای قرض‌دادن‌کتاب بدانشجویان ودیگرافراد مجاز مقرراتی دارند بدین ترتیب که‌کتابهای‌کتابخانه را از دوساعت تا دوهفته و چهارهفته وحتی مدت بیشتر بدانشجویان قرض‌می‌دهند(اعم ازدانشگاهها وکالجهای دولتی وغیر دولتی) بدین طریق که دانشجو فقط باارائه کارت دانشجوئی خود علاوه برآنکه می‌تواند در هرروز

تاحدود چهارده ساعت متوالی ، کتب موردنیاز خود را درتالارکتابخانه مطالعه کند، مقررات باواجازه می‌دهدکه بی‌پرداخت حق‌الضمان یا واسطه قراردادن استاد خواهش کردن اززید وعمرو و توسل براههای غیر معقول ، کتابهای مورد احتیاجش را ازکتابخانه بگیرد و در خانه آنها را مطالعه‌کند ، بی‌توجه بوجود نسخ مکــرر ازیك‌کتاب درکتابخانه البته علاوه برکتابهای مأخذ درمورد برخی دیگر ازکتابها نیز محدودیتهائی وجود دارد و ازآن‌جمله کتابهائی است‌که ازطرف استاد هردرس بعنوان کتاب درسی مورد مراجعهٔ عموم دانشجویان یك رشته بکتابخانه صورت داده می‌شود ، این قبیل کتابها درمحل مخصوصی بنام Reserve نگهداری می‌شود . این‌کتابها را نیزبعلت‌آنکه مورد احتیاج‌عموم دانشجویان یك‌رشته برای مدت معینی است ، فقط درسالن‌کتابخانه می‌توان مطالعه‌کرده ، ولی دستگاه عاقل کتابخانه برای آنکه همین‌کتابها نیز بحداکثر مورد استفاده قراربگیرد چاره‌ای اندیشیده است یعنی بدانشجویان اجازه داده است کتابهائی راکه درقسمت Reserve قرار دارد هرشب در موقع تعطیل‌کتابخانه بامانت بگیرند و روز بعد دراول وقت اداری بقسمت مربوط‌کتابخانه مسترد بدارند . ملاحظه بفرمائیدکه روا نمی‌دارند حتی چنین کتابهائی ، بی‌جهت هفت هشت‌ساعت هنگام شب‌که اکثر مردم‌بخواب می‌روند بلااستفاده بماند وطالب علمی ازآنها استفاده‌نکند. کتابخانه‌های ایشان حتی بعضی ازاسناد و مدارك اداری خود رانیز حداکثر بمدت دوساعت دراختیار مراجع قرار می‌دهند تا درخارج ازکتابخانه ازآن استفاده کند ، نگارنده دریکی از همین‌کتابخانه‌ها بنسخه‌ای ازمقررات‌کتابخانه احتیاج داشت‌که در ادارهٔ کتابخانه نسخهٔ اضافی موجود نبود ، متصدی مربوط همین کتابچه مقررات راکه ابزارکارش بود فقط بمدت دوساعت دراختیار من‌قرار داد تا دراین‌مدت بتوانم برای خود ازآن فتوکپی تهیه‌کنم (این مقررات عمومی‌کتابخانه بود نه‌آنکه درمورد من‌خاصه خرجی‌کرده باشند) . البته دربرابر این امکاناتی‌که بمراجعان و دانشجویان برای قرض گرفتن‌کتاب داده شده است ، مقررات شداد وغلاظی نیز وجود داردکــه مراجعان را بمراعات کامل و دقیق مقررات‌کــتابخانه و برگردانیدن‌کتاب درساعت مقرر بکتابخانه وا می‌دارد و درصورت تخلف برای هرساعت یا هرروز و یاهرهفته (بستگی بنوع‌کتاب دارد) جریمهٔ نقدی درنظر گرفته شده است تا حدود پنج دلار وده‌دلار، که‌بدون تعارف وسهل‌انگاری از ایشان می گیرند واگر بندرت‌دانشجوئی این مقررات را نادیده‌گرفت ازثبت نام او در دورهٔ تحصیلی بعد جلوگیری می کنند .

باتوجه بدانچه‌گذشت ضرورت تجدیدنظــر در مقررات مالی مربوط بکتابخانه های مدارس و دانشگاههای دولتی وکتابخانه‌های‌عمومی درقسمت‌مورد بحث نیز لازم‌بنظرمی‌رسد، چون براستی دریغ است‌که دولت باخون دل پولی فراهم بکندو دانشکده‌ها ودیگرمؤسسات ازآن محل برای‌کتابخانه‌کتاب بخرند و آنرا چنانکه شاید، و باید در اختیار مشتاقان‌قرار ندهند . هرقانون و مقرراتی تا وقتی محترم است‌که درترقی و تعالی قومی مؤثر باشد،ولی اگر خلاف این بود مقامات مسؤول باید چاره‌ای بیندیشند .

کارکتابخانه‌های ایران نیز ازهمین مقوله است . دراین قسمت نیز مؤسسات ما برای قرض دادن‌کتاب ببودجهٔ اضافی و استخدام کارمندو متخصص جدید نیازمند نیستند ، فقط از وسائل و امکانات موجود باید عاقلانه استفاده‌کرد.

سه موضوع دیگر نیز دربارهٔ کتابخانه‌ها درخورعنایت است . نخست‌آنکه ازکتابخانه

هر دانشکده دانشجویان دانشکده‌های دیگر نیز باید بتوانند بسهولت استفاده کنند ، در حالی که انجام این امر امروز دراکثر دانشگاههای ما بسهولت میسر نیست ، زیرا دردانشگاههای ما هنوز کتابخانهٔ مرکزی که مورد مراجعهٔ همه دانشجویان و استادان باشد وجود نداردوچون کتابهای مربوط بهر دانشکده در کتابخانه همان دانشکده نگهداری می‌شود معمولا دانشجویان همان دانشکده با ارائه کارت دانشجوئی یا کارت کتابخانه می‌توانند بکتابخانه دانشکده خود مراجعه کنند . دیگر آنکه استفاده از کتابخانه‌های دانشگاه در ایران منحصر به دانشجویان و استادان و اعضای اداری آن دانشگاه است ، و مردم علاقمند شهر بطور مطلق از استفاده کردن از کتابخانهٔ دانشکده‌ها محرومند ، گرچه درچند سال پیش در مقررات بعضی از کتابخانه‌های دانشگاه تهران چنین مورد پیش‌بینی شده است ولی‌شاید لازم باشد که این امر دربقیهٔ کتابخانه‌ها نیز تعمیم داده شود.

آخرین نکته‌ای که دراین باب باید بگویم ، گرچه ممکن است بعقیدهٔ بسیاری هنوز برای ما ضرورتی نداشته باشد ، ولی گفتنش بی‌ضرر بنظر می‌رسد ، آنست که در اکثر کتابخانه‌های دانشگاهها و کتابخانه‌های عمومی شهرهائی که بدانها اشاره کردم مقرراتی وجود دارد که کتابخانه ، دربرابر تقاضای مراجع ، کتابی راکه ندارد ، ولی آن کتاب در کتابخانهٔ شهر یا ایالت دیگری موجود است ، برای دانشجو یا مراجع عادی تقاضا می‌کنند و بااخذ مبلغی که فقط مخارج حمل ونقل کتاب را دربرمی گیرد آن کتاب را از کتابخانهٔ دانشگاه یا کتابخانهٔ عمومی شهر دیگری برای مدتی محدود بکتابخانهٔ خود منتقل می‌سازد و دراختیار مراجع قرار می‌دهد . اگر روزی ما نیز بتوانیم بدین شیوه عمل کنیم لااقل گشایش بسیاری درکار دانشگاههای شهرستانها و مؤسسات آموزشی جدیدالتاسیس حاصل خواهد شد .

با توضیح آنچه دراین مختصر بعرض رسید ، بعقیده نگارنده باآنکه در کتابداری تخصصی ندارد ودر کتابخانه‌ها نیز سمتی نداشته وندارد ، درمقررات کتابخانه‌های ما از چند جهت باید تغییراتی داده و درانجام این‌مهم ازهمه اهل‌فضل و افراد متخصص و صاحب‌نظر و ازهمه کسانی که کتابخانه‌های دانشگاهها و کتابخانه‌های عمومی اروپا وآمریکا را دیده‌اند باید مدد گرفت. قسمت اول این تغییرات مربوط بافزایش‌ساعت کار کتابخانه‌ها وباز بودن کتابخانه‌ها درتمام ایام تعطیل است . اخذ تصمیم دراین باب ، لااقل دردانشگاهها و مدارس عالیه کشور بامؤسسه‌ای است که کتابخانه وابسته بدانست . قسمت دوم تغییراتی که باید در مقررات کتابخانه‌ها داده شود منوط بجلب موافقت مقامات مالی مملکتی است تا بتوان کتب کتابخانه‌ها را فقط در مقابل اخذ رسید بدانشجویان و افراد مجاز بمدت محدود قرض داد . درقسمت سوم باید خبر کتاب و کتابخانه‌ها را عام نمایند تابا شرایطی عام مردم علاقه مند بتوانند از کتابخانه‌های دانشگاهها استفاده کنند . دیگر آنکه باید ترتیبی داده شود تالااقل بتوان از کتابخانه‌های دانشگاهها ، بعنوان واسطهٔ نقل وانتقال کتاب از کتابخانهٔ دیگر دانشگاهها در ایران استفاده کرد .

خلاصه آنکه کتابخانه درهرمؤسسه‌ای باید همیشه درفعالیت باشد ، نه‌آنکه چراغهای کتابخانه را هرروز درساعت چهارونیم یاشش‌ونیم وهفت بعدازظهر خاموش کنیم و کتابها را درهرروز بمدتی طولانی درحبس تاریك نگاه داریم و در روزهای تعطیل نیز که در کشور ما درهرسال به شصت‌هفتاد روزمی‌رسد باحدی اجازهٔ مراجعهٔ بکتابخانه را ندهیم .